

2018 / 4 / 27

کاندید اکادمیسین سیستانی

در حمایت از جنبش حراست پشتونها

مقاله جامعه شناسی جنبش «خدایی خدمتگاران» و «جنبش حراست پشتونها» نوشته استاد مومن ونشر آن در ویب سایت آسمانی وپورتال افغان جرمن، یکی از بهترین مقالاتی بود که از روز نشر آن مقاله ذهن و افکار مرا بخود مشغول ساخته است. از این مقاله در باره افکار و اندیشه های رهبر خدایی خدمتگاران (پاچاخان) چیزهای زیادی را میتوان آموخت، بخصوص مشی عدم خشونت و ترک دشمنی و برادر کشی و دعوت به اتحاد و برادری و کسب علم و دانش چیز های مهمی اند که به آنهایی که مثل من آگاهی کمتری دارند، کمک میکند تا درک درستی از اهداف بزرگ انسانی و ورورولی آن مبارز نستوه داشته باشند.

علاوه بر این بحث در باره جنبش حراست پشتونها از زیرچکمه های ستم نظامیان پنجابی بخش جذاب و قابل توجه دیگر این مقاله را میسازد. من از نویسنده ارجمند استاد مومن که این مقاله را در یک موقع مناسب بیرون دادند، ابراز تشکر میکنم .

پاکستان در چهار دهه اخیر با وجود استفاده ابزاری از نیروی پشتونها برای دفع اتحاد شوروی از تجاوز بر قلمرو خود، در عین حال سعی کرده است تا قوم پشتون را در مجموع مردمان وحشی و تروریست به جهانیان نشان بدهد و طوری ذهنیت سازی نماید که اگر هرگونه جنایت ضد بشری علیه آنها انجام دهد ، آنرا رنگ مبارزه با تروریست قلمداد کند. در حالی که پشتونها فطرتا تروریست نیستند، بلکه مردمان آزادی دوست و دین دوستی اند که بخاطر حفظ آزادی و صیانت از دین و معتقدات خود با سلطه بیگانه ها ضدیت نشان میدهند و طبق نقشه های آی اس آی بلا وقفه کشته میشوند .



نقیب محسود که میخواست مدل جوانان باشد، مگر در یک طرح از پیش ریخته شده توسط نظامیان به قتل رسید. و همین مسئله جرقه ای بخرمن بیداری پشتونها زد.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلېکنې دلېکنېزې بڼې پازوالې دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالېرلو مخکې په څېر و لولئ

بعد از ترور یک جوان خوش هیكل و خوش سيما بنام نقیب الله محسود در کراچی [تصویر شديده شود]، جنبش «تحفظ پشتونها» با سرکردگی منظور پشتون از اهالی وزیرستان جنوبی، از اسلام آباد سر بلند کرد. منظور پشتون یک جوان تحصیل کرده وزیرستانی است که خود و خانواده اش بر اثر بمباردمان وزیرستان در چند سال قبل از زادگاه خود مجبور به فرار به دیره جات و شهرهای دیگر شدند و پدرش که معلم بود سعی نمود تا فرزندش را برای تحصیل و فراگرفتن علم و دانش تشویق نماید. منظور پشتون تحصیل خود را تا سطح لیسانس پیش برد و باری خوست از زادگاه خود بازدید نماید، اما عساکر و نیروهای مستقر در زادگاهش به او اجازه ندادند تا دهکده و خانه خود را که در زیر بمباردها به ویرانه مبدل شده بود، ببیند، با دل پر غصه از وزیرستان برگشت و به فکر راه نجات قوم پشتون از ذلت و بدبختی و هردم شهیدی و به اسارت رفتن شان افتاد. او در ماه فبروری 2018 با تعدادی از دوستان و همفکران خود به شهرهای مختلف پشتون نشین از کویت تا پشاور سفر کرد و با جوانان ملاقات نمود و درد و مصیبت آمده بر پشتون را به آنها بیان کرد، بالمقابل با استقبال گرم جوانان با درد پشتون مناطق دیگر چون دیره جات و وزیرستان شمالی و جنوبی و کرم و مومند و باجور و صوات و ورکزی روبرو شد. و همگی احساسات خود را بر ضد ستم ملی و توهین و تحقیری که از سوی نظامیان پنجابی در حق آنها اعمال میگردد، با او در میان گذاشتند. دعوت او برای به اتحاد پشتونها شور و هیجان بی نظیری را در میان پشتون و بلوچ آنسوی خط دیورند ایجاد نمود.



منظره بی از جنبش تحفظ پشتونها در آنسوی خط دیورند

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

با خیرمرگ نقیب محسود، منظور پشتون برضد ظلم وستم نظامیان پنجاب برخاست و در اسلام آباد پایتخت پاکستان دست به اعتصاب و سخنرانی پراز واقعیت های ملموس زد و نظامیان و نیروهای استخباراتی پاکستان را عامل و مسؤل اصلی ترور و اختطاف جوان های آگاه و روشنفکر و هنرمندان و شاعران و معلمان منسوب قوم پشتون در تمام صوبه سرحد و ایالت پشتونخوا و دیره جات خواند و از حکومت پاکستان خواست تا پشتونهای زندانی را آزاد کند و اگر کشته شده باشند دلیلی کشتن آنها را به مردم بگوید و یا اینکه مسببین این قتل ها را مجازات کند.

منظور با سخنرانی پرشور خود ده ها هزار جوانان پشتون را که خواهان امنیت جانی و مالی خود اند و بدنبال شغل در شهرهای مختلف پاکستان منجمله کراچی و لاهور و اسلام آباد و کوئته و پشاور سرگردانند و گاه و بیگاه از سوی نظامیان پنجابی اختطاف و مورد شکنجه های وحشیانه قرار میگیرند و بعد سر به نیست میشوند، به دور خود جمع کرد و شعار تحفظ و حراست از جان و حیات قوم پشتون را سرداد.

این جوان جسور و پر استعداد که شیشه مرگ خود را بر کف گرفته و انگشت اتهام بسوی سازمان مخوف استخبارات نظامی پاکستان دراز نموده است، خبر از ظهور یک ناجی برای نجات قوم پشتون از مشی نسل کشی نیروهای امنیتی و نظامی پاکستان میدهد. باید از جنبش تحت رهبری او حمایت کنیم این حمایتها به جوانان جنبش تحفظ پشتون نیروی تازه می بخشد و آنان را برای اتحاد و مقاومت در برابر استبداد پایدار تر میسازد. مساله مهم اینست که ایستادن در مقابل یک دستگاه مخوف و متهم کردن به نسل کشی یک قوم سلحشور کار اسانی نیست، و اگر کسی بخواهد چنین صدای را بلند نماید باید اول سر خود را در کف دست بگذارد و بعد گام به جلو نهد و منظور پشتون یک چنین کسی است. انسانهای عدالتخواه و آزادی طلب می باید در حمایت از چنین کسی و چنین جنبشی حمایت کنند.

قرار بود در تاریخ 8 اپریل یک میتنگ یک میلیون نفری را در پشاور مرکز ایالت پشتونخوا راه اندازی کند، اما در روز موعود راه های مواصلاتی تحت کنترول شدید نظامیان پاکستان قرار گرفت و مانع ورود جوانان به پشاور گردیدند مگر با وجود ممانعت های نیروهای نظامی، هم در پشاور و هم در ایجنسی های دیگر میتنگ های پرشوری به حمایت از تحریک حراست از پشتونها تدویر یافت و در تمام شهرهای مهم خارج پاکستان که پشتونها زندگی میکردند محافل و تظاهراتی به حمایت از تحریک حراست از پشتونها صورت گرفت و خواستار منع زندانی کردن یا ترور منظور پشتون گردیدند.

بی بی سی گزارش میدهد که: « منظور پشتین در وزیرستان جنوبی متولد و پرورش یافته است؛ جاییکه که از اولین پناهگاه های طالبان پس از حوادث یازده سپتامبر بود. همانند بسیاری از

نواحی و قسمت‌های شمال غرب پاکستان آزادی و امکانات مالی مردم این منطقه توسط ارتش و یا توسط گروه‌های شبه نظامی تندرو که با وجود همه انکارها نیروهای نیابتی ارتش محسوب می‌شوند به گروگان گرفته شد.

او که فرزند یک معلم است توانست تحصیل کند و پس از سال ۲۰۱۰ که خانواده‌اش ناحیه جنگ زده وزیرستان جنوبی را ترک کرد به تحصیلات خود ادامه داد. برای آن نسل آگاهی سیاسی نتیجه زندگی در خارج از وزیرستان و در عین حال تجربه کردن فقدان قدرت هنگام بازگشت به روستاهایشان بود....

افراسیاب ختک، سناتور سابق، می‌گوید: "گدازه های آتشفشانی در تمام این سال‌های پر از مشکل و تلاطم انباشته شد و منتظر فوران بود. دیر یا زود این [حادثه] روی می‌داد." روز ۱۳ جنوری وقتی که مرد جوانی به نام نقیب‌الله از اهالی وزیرستان جنوبی در یک "رویارویی از پیش طراحی شده" کشته شد زمان فوران فرارسید. پولیس اعلام کرد که او از گروه‌های مسلح تندرو بوده ولی خانواده اش می‌گویند او آرزو داشت **مُدل** شود. همین حادثه جرقه برگزاری تظاهرات بیرون باشگاه خبرنگاران در شهر اسلام آباد را زد. ابتدا کسی توجه چندانی نکرد ولی به مرور شمار معترضان افزایش یافت. یک کانتینر به محل آورده شد و آن را به صحنه‌ای مجهز به سیستم صوتی بدل کردند. سخنرانی‌ها شروع شد و در برخی از آنها به شدت از نهادهای امنیتی انتقاد شد.

پس از ده روز به یک جنبش وسیع تر "**برای رهایی مردم پشتون از استبداد**" نهادهای امنیتی پاکستان بدل شد. مردم از نقاط مختلف و دور دست برای شرکت در اجتماع به اسلام آباد آمدند و بسیاری عکس‌های افراد مفقود شده را آورده بودند و به دنبال اطلاعات در مورد آنها می‌گشتند .

منظور پشتین می‌گوید: "من فقط از وضعیت در منطقه خودمان مطلع بودم. ولی وقتی ماجراهایی را که در مناطق دیگر اتفاق افتاده شنیدیم، در سوات و یا باجور، متوجه شدیم که همه جا وضعیت همینطور بوده است".

او به حادثه‌ای اشاره می‌کند که دو هفته قبل از بازداشت خود در اکتبر گذشته باعث تظاهرات شد. یک سرباز بر اثر انفجار بمب در روستایی به نام شامکای در وزیرستان جنوبی کشته شد.

"ارتش در منطقه حکومت نظامی برقرار کرد و به همه مردم دستور داد از خانه‌های خود بیرون بیایند. آنها زنها را مجبور کردند در یک طرف بنشینند و بعد مردها را تک به تک در برابر چشمان آنها شکنجه کردند. یک پسر بچه‌ای که صرع داشت در حالیکه پدر و مادرش تماشا می‌کردند زیر شکنجه جان داد".

منظور پشتین این سؤال را که پشتون‌ها به جوانان خود اجازه میدهند تا به گروه‌های مسلح تندرو بپیوندند، رد میکند. او می‌گوید: "**ارتش پاکستان گروه‌های مسلح تندرو را تقویت کرده است. از اسلام**

به عنوان یک عامل تهییج استفاده کرده است. این حرف من نیست حرف سرهنگ امام (یک مامور سابق اداره امنیت ارتش پاکستان) است که گفت ۹۵ هزار جوان را آموزش داده است و یا حرف‌های پرویز مشرف فرمانده سابق ستاد ارتش پاکستان است که گفته ما آنها را آموزش دادیم، ما مجاهدین را از سراسر جهان آورده‌ایم، و آنها قهرمانان ما بودند".

منظور پشتین می‌افزاید: "وقتی دلشان می‌خواهد ما را بمباران می‌کنند، وقتی دلشان می‌خواهد برای ما خوار و بار می‌فرستند و وقتی به نفع شان هست مردم ما را بفرستند که دیگران را بکشند آنها را آموزش می‌دهند و به آنها کمک می‌کنند". **وزیرستان منطقه تصرف شده آنهاست. ۳۰ سال طول کشید تا ما مردمان قبیله‌ای بفهمیم که با روس‌ها نه به خاطر اسلام بلکه به خاطر پول آمریکایی‌ها جنگیدیم.** (بی بی سی ۲۶ اپریل ۲۰۱۸)



"تروریسم در یونیفورم"

بی بی سی از قول ژورنالیست دیگر خود در لاهور (سکندر کرمانی) گزارش میدهد: «جمعیت شعار می‌دهند **"این چه نوع آزادی است؟"** این همخوانی سرود جنبش اعتراضی است که به خوبی نارضایتی جمعیت وسیعی از "نبرد با تروریسم" حکومت پاکستان را نشان می‌دهد.

یکی از محورهای اصلی آن این احساس است که پشتون‌ها سال‌هاست بین گروه‌های شبه نظامی تندرو و ارتش پاکستان گیر افتاده‌اند. مردی از دره سوات به من گفت که در یکی از جاده‌های آن منطقه هم ارتش و هم طالبان پست بازرسی دارند. اگر کسی ریش نداشته باشد طالبان او را به

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

طرفداری از حکومت متهم می‌کند و اگر کسی ریش داشته باشد سربازان او را به وابستگی به گروه‌های تندرو متهم می‌کنند...

خشم مردم از نهاد پر قدرت ارتش به صراحت با این شعار ابراز می‌شود: **"مسئولین تروریسم آنهايي هستند که اونيفورم به تن دارند."** به چالش کشیدن ارتش به این صراحت در دوره‌های اخیر بی‌سابقه بوده و به نظر می‌رسد که در حال رشد است.»

بی‌بی‌سی علاوه می‌کند که: تاکنون رسانه‌ها اخبار مربوط به جنبش تحفظ پشتون را که حمایت قابل توجهی جلب کرده به هیچ وجه منعکس نکرده‌اند. در مقابل رسانه‌های به شدت کنترل شده پاکستان به تظاهرات دسته‌های کوچک مخالف این جنبش وقت زیادی اختصاص می‌دهند.

منظور پشتین زبان پشتون را با لهجه بومی قبیله‌ای خود یعنی "محسود" صحبت می‌کند. ولی برخلاف سایر مردان جوان قبیله ای او تحصیل کرده است و زبان‌های اردو و انگلیسی را نیز به همان راحتی صحبت می‌کند. او می‌گوید هیچگاه تصور نمی‌کرد که چنین حمایتی جلب کند ولی در مورد آنچه که باید تغییر دهد هیچ تردیدی ندارد. او در ماه مارس در مصاحبه‌ای با خودای نور نصر، از بخش پشتو بی‌بی‌سی، گفت: "مردم سرکوب شده‌اند و زندگی آنها غیرقابل تحمل شده است. مقررات حکومت نظامی و توهین سربازان ارتش حرمت مردم را از آنها گرفته است."

از ماه فیروزی [2018] او و هوادارانش در سراسر مناطق پشتون نشین، از کویته تا پیشاور سفر کرده، جمعیت فراوانی را به خود جلب کرده و حکایت‌های بی‌پایان مصیبت، مرگ و ویرانی را برملا کرده‌اند.

بسیاری **"جنبش تحفظ پشتون"** را گشودن فصل جدیدی در عرصه سیاست کشور می‌دانند که جنگ‌های نیابتی آن جمعیت پرشماری را نه فقط در مناطق قبیله‌ای و شمال غرب بلکه در بلوچستان، ایالت سند در جنوب و حتی مناطق شمالی در مرز چین به شدت محروم کرده است.

باپر ستار، وکیل و صاحب‌نظر سرشناس، نوشته است که آگاهی و وجدان اجتماعی منظور پشتین ممکن است در هویت پشتون او ریشه داشته باشد **"ولی سئوالی که او مطرح کرده به همه ما مربوط می‌شود."** بحثی که جنبش تحفظ پشتون به راه انداخته در مورد **"مناسبات اجباری بین شهروندان و حکومت پاکستان، (درباره) ویژگی‌ها، اولویت‌ها و اقدامات حکومت ماست که حق زندگی، آزادی، حرمت و برابری آنها را زیر سؤال می‌برد."**

منظور پشتین می‌گوید سال گذشته پس از بازداشت شدن به خاطر تظاهرات علیه [نظامیان] و اداره اطلاعات آن، شبکه‌های اجتماعی به داد او رسیدند. او در مصاحبه‌ای با بخش پشتو بی‌بی‌سی گفت: **"نیروهای نظامی خانه ما را محاصره کرده و پدر و عمو [کاکا]یم را در پست بازرسی (تلاشی) که نزدیک محل بود بازداشت کردند. وقتی به آنجا رفتم من را نیز بازداشت کردند و داخل یک اطاق**

انداختند. آنها گفتند اعتراض علیه ارتش [نظامیان] برای روحیه آنها مخرب است." به سرعت خبر بازداشت منظور پشتون [توسط رسانه های اجتماعی مجازی] به دوستانش رسید و آنها با پخش این خبر توانستند تظاهراتی در حمایت از او به راه بیاندارند. بسیاری موارد [انتقادات برنظامیان] مفقود الاثر شدن هاست. "بعد آنها مرا از اطاق درآوردند و پیش یک [صاحب منصب] بردند که به من گفت ما تو را آزاد می کنیم ولی به دوستانت بگو اعتراضشان را متوقف کنند." منظور پشتون برخورد تشدد آمیز پولیس پاکستان را با رهبران جنبش تحفظ پشتون از طریق فیسبوک شرح داده در آخر میگوید: «**نه خرخیرو، نه تیتیریو، نه دارپرو!**»

<https://www.facebook.com/PashtoVoiceOfficial/videos/2167234259961379>

منظور پشتون برای نجات مردم خود از کشتارها و اختطافهای مکرر شان توسط نظامیان پنجابی به پا خاسته است و چون درد او با درد دیگر پشتونها مشترک است، با صدای حق طلبانه میلوینها پشتون یکجا شده طوفانی از خشم وانزجار مردم را علیه حکومت و نظامیان پاکستان برانگیخته است و پشت نظامیان را به لرزه انداخته است.

بدون تردید جنبش حراست پشتونها سبب همبستگی واتحاد عمومی پشتونها شده و دستگاه استخبارات نظامی پاکستان را مجبور میسازد تا دست از گرفتاری وکشتار پشتونها بردارد و به حقوق حقه آنها تن در دهد. روشنفکران افغانستان در اروپا و امریکا و داخل افغانستان با سازماندهی تظاهراتی در ماه اپریل همبستگی خود را با جنبش حراست پشتونها ابراز داشتند. یکی از شاعران نازک خیال افغانستان سلطانجان کلیوال در وصف جنبش تحفظ پشتون شعری سروده که در ادبیات پشتو کم نظیر است ببینید با چه قوت و صلابتی شهادت منظور پشتون را در این غزل به تصویر کشیده است:

«د پښتین خبری»

بدلومه دوزخ هسی، چی جنت ورته حیران شی	هسی مینه کول غوارم، چی نفرت ورته حیران شی
غریبی ستا په وجود کی، تویه وم د مینی خاڅکی	چی زلمی شی پیرزوینه، او غربت ورته حیران شی
تولوم خواره ولسونه، دیوی جندی د لاندی	چی په مخ د دی نری کی، هرملت ورته حیران شی
بی وسی نن دی لمن ته، اچوم هسی گلونه	چی شتمن ورته حیران شی، او دولت ورته حیران شی
د ورینمو په یو تاریکی، خواره زروونه می د خلکو	هسی پینم سره واره، چی طبیعت ورته حیران شی
کلیوالو پیژندلی، زه "پښتین" د وفا زوی یم	جوړومه پښتون هسی، چی خلقت ورته حیران شی

(افغان جرمن آنلاین، ۱۱ اپریل ۲۰۱۸)

هموطن دراک وپر احساس ما "وطن دوست" در بخش نظریات پورتال افغان جرمن آنلاین امروز نوشته بود: «حمایت از مظلومان و ضعفاً هرکسی که باشد و یا در هر گوشه این دنیا که اقامت داشته باشند، اگر آنها را بشناسم یا هیچ رابطه شخصی با آنها نداشته باشم، یکی از رهنمود های زندگیم بوده است، ولو که چندان مؤثر هم نباشد. حمایت از پشتون های دو طرف خط دیورند نیز در همین فورمول زندگیم جا میگیرد. چه به آنها

د پښتو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

قرابت نداشته باشم و یا حتی زبان شانرا ندانم. در شمن، چنانچه در پیام قبلیم به آن اشاره کردم، حمایت از "جنبش حراست پشتونها" علیه حکومت نظامی پاکستان به نفع مردم افغانستان نیز تمام میشود. با این دلیل: این یک فورمول شناخته شده ست، دولت ها را مصروف ناهنجاری ها و شورش های داخلی خود شان باید ساخت، تا همسایه های شانرا فراموش کنند .

به عبارت دیگر، " جنبش حراست پشتون ها" به آرامی ها در داخل این نظام شرور می افزاید و دولت پاکستان را مصروف مهار کردن این جنبش میسازد. اگر این جنبش به شورش دوامدار مبدل گردد، امکان دارد که حتی نظام این کشور را تغییر دهد. یعنی از قدرت نظامیان در داخل حکومت پاکستان بکاهد. همچنان امکان دارد که در سیاست خارجی پاکستان به خصوص در رابطه به افغانستان تغییری مثبت بوجود آید. و بالاخره اگر حکومت افغانستان هوشیارانه از موقع استفاده نماید، شاید مردم ما از شر این همسایه شرارت پیشه نجات یابد .

باید یادآوری نمایم که من بعد از تهاجم امریکا بر افغانستان وسقوط طالبان، بخصوص بمباردمانها و کشتار پشتونها حتی در محافل عروسی ویا عزاداری آنها، در دفاع از پشتونها و محکوم کردن نسل کشی سیستماتیک قوم پشتون هم از سوی قشون متجاوز شوروی با همدستی نیروهای رژیم برسر اقتدار در دهه 80 قرن بیستم و همچنان از سوی نیروهای ناتو بسرکردگی امریکا و قوای مسلح افغانستان ده ها مقاله نوشته ام و در پورتال افغان جرمن در سالهای 2006 تا 2012 به نشر سپرده ام (آرشیف مقالاتم گواه اند) ولی مشکل در این است که تحصیل یافته گان و اهل قلم پشتونها به خواندن و حمایت کردن چنین مقالاتی چندان دلچسپی نشان نمیدهند و کدام تبصره ای بر این نوشته هایم نکردند. در دعوت میدیا و تول افغانستان، که من با آنها همکاری قلمی دارم، در هر هفته بیش از ده مقاله بزبان پشتو در مورد حملات هوایی و بمباردمان دهات و روستاهای اقوام پشتون به نشر میرسد، ولی در طول سالهای متمادی من حتی یک تبصره دوسطری از نویسندگان پشتون در باره یک مقاله خوب ندیده ام، چرا چنین است؟ من نمیدانم.

پشتونها نویسندگان نامداری دارند که میتوانند صدای این قوم بزرگ را در رسانه های جمعی انعکاس دهند و تهمت های بی معنی و بی اساس را با قلم خود از خود دور نمایند، ولی با نوعی خود بزرگ بینی از عکس العمل در برابر یاوه گوئیهای که در یکی از پوهنتونهای امریکائی در کابل دو هفته قبل به رسانه ها راه یافت، خموشی اختیار کردند و آنرا مسئولیت تنها دولت دانستند، در حالی که دولت در وضعیت بسیار خوب شبیه مادری است که تا طفل گریه نکند، شیر برایش نمیدهد؛ در این مورد اقدام ملموسی نکرد. هرگاه روشنفکران پشتون در برابر این اتهامات توهین آمیز و غیر مستند از خود عکس العمل نشان میدادند، ممکن بود که قضیه از طرف دولت مورد بازخواست و پیگیری جدید تری قرار میگرفت.

به امید موفقیت و پیروزی هرچه بیشتر جنبش حراست پشتونها!

پایان 2018/4/27

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ